



دوره ۴۹، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صفحات ۳۹۷ تا ۴۱۷

تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پولشویی

هادی رستمی*

استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۲/۵)

چکیده

تحصیل نامشروع مال که در سال ۱۳۶۷ به موجب ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری جرم‌انگاری شده بود، بار دیگر در قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷ به شرح تبصره ۳ ماده ۲ پیش‌بینی شده است. این تبصره، آن‌سان که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، مغایر با قانون تشدید نبوده و هر کدام از این قوانین در شرایط خاصی قابل‌اعمال هستند. تحصیل نامشروع در قانون تشدید، با کاربست تفسیر غایی، فقط توسط اشخاص برخوردار از امتیازهای ویژه قابل ارتکاب است. تبصره ۳ ماده ۲ قانون پولشویی نیز متضمن شرایطی است که «ظن نزدیک به علم» به تحصیل نامشروع مال توسط متهم وجود داشته باشد و او نتواند طریق مشروع تحصیل را ثابت کند. در این صورت، این ظن تقویت می‌شود که مال بی‌گمان حاصل رفتار مجرمانه‌ای است که نوع آن محرز نیست. چنانچه ثابت شود مال ثمره ارتکاب جرم مشخصی مانند کلاهبرداری است، تحصیل آگاهانه آن پولشویی خواهد بود و اگر احراز گردد مال ناشی از تخلف حقوقی یا عدول از مقررات قانونی (غیرکیفری) است، اتهام تحصیل نامشروع توجیهی ندارد. این پژوهش، با تمایزگذاری میان تحصیل نامشروع مال در دو قانون مذکور و نیز رابطه این جرم با پولشویی و سایر جرائم، مانند تحصیل مال مسروق، سرانجام بر این نکته تأکید می‌ورزد که تبصره ۳، اموالی را دربرمی‌گیرد که منشأ و شیوه دستیابی به آن‌ها با توجه به افزایش نامتعارف دارایی یا فقدان کُد رهگیری با تردید روبه‌رو می‌باشند که در این صورت، با ضابطه «ظن نزدیک به علم» فرض بر این گذاشته می‌شود که مال از رهگذر ارتکاب جرم به دست آمده است.

واژگان کلیدی

تحصیل مال از طریق نامشروع، پولشویی، منشأ نامشروع، دارایی مشکوک، ظن نزدیک به علم

* h.rostami@basu.ac.ir

مقدمه

تحصیل مال از طریق نامشروع، عنوان مشهور و پُرآوازه‌ای در رویه قضایی ایران است. این عنوان، نخست در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷^۱ بعد از اشاره به مصداق‌هایی مانند خرید و فروش امتیازات، سوءاستفاده از امتیازات و توزیع متقلبانه کالا مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته بود. قانون مبارزه با پولشویی، اصلاحی ۱۳۹۷، این جرم را دوباره در چهارچوب تبصره ۳ ماده ۲ پیش‌بینی نموده و قانون‌گذار این بار، به‌رغم جرم‌انگاری سابق، مجازات به‌نسبت شدیدتری (از حیث حداقل) برای تحصیل نامشروع مقرر می‌دارد و بدین‌سان، این ابهام را دامن می‌زند که آیا مفاد ماده ۲ قانون تشدید با این اقدام جدید، نسخ شده یا همچنان به قوت خود باقی است. تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی در این باره مقرر می‌دارد:

«چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.»

تبصره ۲ ماده ۲ قانون مذکور نیز داراشدن مشکوک اموال و دارایی‌ها را با شرایطی جرم‌انگاری کرده و بر این اساس، افزایش دارایی اشخاص به بیش از ده میلیارد ریال برای سال پایه و معادل افزایش‌یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سال‌های بعد، بدون وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه و عدم تقدیم اسناد مثبته که قابل راستی‌آزمایی باشد، جرم و قابل مجازات می‌داند. شفاف‌سازی^۲ گردش مالی و نظم‌بخشیدن به معاملات، قابلیت ردیابی محصولات، گزارش‌دهی جامع و پیشگیری از کسب درآمد از راه‌های غیرقانونی، از اهداف قانون مبارزه با پولشویی است. به همین جهت، قانون‌گذار تنها به جرم‌انگاری پولشویی اکتفا ننموده و در کنار آن، جرائم دیگری که به نوعی ارتباط زیادی با پولشویی و جرم منشاء دارند، پیش‌بینی می‌کند.

با این حال، پرسش اصلی آن است که چگونه قانون اصلاحی مبارزه با پولشویی، تحصیل مال از طریق نامشروع را، به‌رغم سابقه درازآهنگ آن در ماده ۲ قانون تشدید که شهرت زیادی نیز در رویه قضایی ایران دارد، بازآفرینی کرده و حبس درجه شش و ضبط اموال را برای آن در نظر گرفته است. پرسش بعدی، تعامل میان تبصره ۲ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی با تبصره ۳ آن است که اولی داراشدن بلاجهت یا توجیه‌ناپذیر مال را نامشروع پنداشته و دومی، تحصیل مال از

۱. از این پس، به اختصار، قانون تشدید برای عنوان مذکور، به کار می‌رود.

۲. برای آشنایی با مفهوم شفاف‌سازی اقتصادی و روش‌های آن؛ (نک: محسنی، ۱۳۹۶: ۶۰۴-۵۹۸)

طریق نامشروع را جرم‌انگاری می‌کند. با وجود ترادف در واژگان هر دو تبصره، مجازات‌ها متمایز بوده و ضرورت دارد رفع ابهام گردند. مقاله حاضر بر آن است در گام نخست، رویکرد قانون تشدید به تحصیل مال از طریق نامشروع را که در رویه قضایی، شکوائیه‌ها و لوایح وکلای دادگستری تفسیر دیگری برخلاف روح آن قانون عرضه می‌شود، تحلیل نماید و سپس، تحصیل نامشروع مال از منظر قانون مبارزه با پولشویی و سرانجام تداخل این عنوان با سایر عنوان‌های مجرمانه را بررسی کرده و تا حدودی به رفع ابهام‌های احتمالی مدد رساند.

۱. رویکرد قانون تشدید به تحصیل نامشروع مال

تحصیل مال از طریق نامشروع، آن‌سان که گفته شد، نخست در ماده ۲ قانون تشدید، در کنار کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا، مورد توجه قرار گرفت و برخلاف غرض و غایت قانون‌گذار از جرم‌انگاری آن، رویه قضایی در عمل راه دیگری پیمود و هر نوع انحراف اقتصادی یا لغزش مالی را مشمول آن دانست. ماده ۲ در این رابطه مقرر می‌دارد:

«هرکس به‌نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به‌دست‌آمده محکوم خواهد شد.»

این ماده، در سطح دکترین و رویه قضایی در معرض تفسیرها و تأویل‌های مفهومی زیادی قرار گرفته است و تفسیر رایج از آن که مدتی است با توجه به آرای جدید دادگاه‌ها از رواج افتاده، به‌دنبال برداشت وسیعی از قانون است.

۱-۱. برداشت موسع

برداشت موسع، بخش اخیر ماده ۲ را به هر نوع تحصیل نامشروع مال توسط هر کس تعمیم داده و راه را برای مجازات اشخاصی که به هر دلیل مالی را به دست آورده‌اند که طریق آن قانونی نیست، هموار می‌سازد. عبارت «به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» به دلایلی به این تفسیر موسع دامن زد که هر نوع تحصیل مال از طریق نامشروع که مشمول سایر جرم‌های مالی نباشد، به استناد ماده مذکور جرم و قابل تعقیب

است. با این برداشت، مواردی مانند تصاحب مال گم‌شده، برداشت وجه از حساب مشتری توسط کارمند بانک (نظریه شماره ۷/۸۵۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه)، برداشت حقوق و مزایا توسط نظامی فراری که حقوق او به هر دلیل قطع نشده با علم به عدم استحقاق (نظریه شماره ۷/۴۴۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه)، داراشدن غیرعادلانه و افزودن ناروا به ثروت، از مصادیق تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب شده‌اند. همچنین، استفاده از کارت سوخت دیگری بدون اجازه او (رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۱۰۱۰ شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۲) یا برداشت وجه به صورت غیرمجاز از عابر بانک دیگری (رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۱۰۶۶ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۱) مصداق این جرم دانسته شده است. ابهام‌نویسی و صراحت‌نداشتن واژگان قانونی، در عمل راه را برای تفسیر مذکور می‌گشاید (نک: باقرزاده‌گان و میرزایی، ۱۳۹۲: ۸۷؛ فرح‌بخش، ۱۳۸۸: ۳۰۰-۲۹۶).

برخی حقوق‌دانان از این نوع جرم‌انگاری (قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید) دفاع کرده‌اند؛ با این استدلال که توسل به آن، پاره‌ای از خلأهای موجود در قوانین کیفری را برطرف می‌کند و در مواردی که رفتار مرتکب با هیچ‌یک از عناوین خاص مجرمانه قابل مجازات نباشد، برای تنبیه مجرمان مالی و اقتصادی راهگشا خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۷) نتیجه این رویکرد آن است که هرگونه انحراف یا لغزش اقتصادی که مشمول جرائم کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت نباشد، با اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع قابل مجازات خواهد بود که پیامد چنین روندی، عدول از اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها و تحدید حقوق و آزادی‌های فردی است.

۲-۱. برداشت مضیق

پاره‌ای از حقوق‌دانان در سال‌های اخیر، خوانشی از ماده ۲ قانون تشدید ارائه کرده‌اند که قلمرو آن را به اشخاص خاص و برخوردار از امتیازهای ویژه محدود می‌کند. این تفسیر به تدریج در رویه قضایی نیمه دوم دهه ۹۰ نیز راه یافته است. برای رهایی از پیامدهای نامطلوب تفسیر موسع، به‌ویژه از حیث توسعه قلمرو جرم‌انگاری و تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و اینکه این عنوان (تحصیل مال از طریق نامشروع) با تفسیر موسع مستمسکی فراهم می‌کند که با توسل به آن هرگونه انحراف مالی، جرم و قابل مجازات دانسته شود، راهکار مناسب آن است که عبارت ذیل ماده به صدر آن، یعنی موارد تحصیل وجه یا مال توسط اشخاص برخوردار از امتیازات دولتی، احاله و محدود گردد.^۱ از حکم صدر ماده چنین استنباط می‌شود، کسانی که به دلیل داشتن

۱. قرار منع تعقیب شماره ۱۹۶۲/۲۳۵۳۰۹۷۰۹۹۷۰۲۷/۱۰/۱۳۹۷ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب، ناحیه ۱۴ تهران، در این مورد استدلال مهمی دارد: «... اگرچه در قسمت سوم ماده مزبور [ماده ۲ قانون تشدید] به‌طور کلی هرگونه تحصیل مال از طریق

ویژگی‌های خاص یا شرایط مخصوص واجد صلاحیت برای دریافت امتیازات دولتی هستند، مجاز به خرید و فروش یا هر نوع سوءاستفاده دیگر نبوده و در صورت تخلف و تحصیل مال یا وجه از این طریق مجازات خواهند شد. توجه دقیق به منطوق ماده ۲ قانون تشدید نشان می‌دهد که در این فراز «... در معرض خرید و فروش قرار دهد یا از آن سوءاستفاده نماید یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید یا به‌طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است...» سه بار از واژه (یا) استفاده شده که همگی در مقام بیان مصادیق رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که تحت حاکمیت صدر ماده قرار دارند و نمی‌توان از (یا) مذکور در جمله اخیر استفاده دیگری کرد و آن را به‌عنوان حکم عام مطرح کرد (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).^۱ بنابراین، فلسفه ماده ۲ قانون تشدید، خرید و فروش بعضی از حقوق است که به‌صورت امتیاز برای اشخاص خاص در قوانین پیش‌بینی شده است. این معاملات را قانون‌گذار می‌خواهد ممنوع کند و نامش را تحصیل نامشروع مال می‌گذارد؛ ذیل ماده ۲ عبارتی است مثل «نظیر» که به‌ترتیب مصادیق را احصا می‌کند؛ یعنی قانون‌گذار عبارت نظیر (و نه فلسفه حکم) را گسترش داده است (آزمایش، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۲).

جرم‌انگاری‌های گوناگون در سال‌های بعدی، مانند پولشویی (ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات ۱۳۹۷)، تقلب نسبت به بیمه‌گر (ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری، مصوب ۱۳۹۵)، تأسیس، قبول و عضوگیری در شرکت‌های هرمی (بند (ز) ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی، الحاقی ۱۳۸۴) و نظایر این‌ها، دلیل روشنی بر بطلان تفسیر عام از ماده ۲ قانون تشدید است. وانگهی، ظهور دوباره عنوان «تحصیل مال از طریق نامشروع» در تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، صحت این دیدگاه را که ماده ۲ قانون تشدید به اشخاص خاصی محدود است، اثبات می‌کند. در واقع، با پذیرش تفسیر باز و موسع از ماده ۲، ضرورتی به جرم‌انگاری‌های مذکور نبوده و همه این جرائم نوظهور در شمول ماده مزبور قرار می‌گیرند. رویکرد قانون‌گذار نشان می‌دهد که قلمرو ماده ۲ قانون تشدید به اشخاص خاص و برخوردار از امتیازهای ویژه، مانند دارندگان جواز صادرات و واردات یا موافقت‌نامه اصولی، محدود شده و تاب تفسیر عام را ندارد. از این‌رو، به جهت عدم تکاپوی قانون تشدید، جرم‌انگاری‌های جدید در حوزه جرم‌های مالی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیر و منطبق با ضرورت‌های

نامشروع جرم‌انگاری شده است، لیکن با توجه به اینکه در تمثیل نظیر شرط است، قسمت سوم ماده مزبور را می‌بایست با توجه به دو قسمت اول تفسیر نمود و هر سه قسمت را ناظر به حمایت از ارزشی یکسان و ارزشی مشابه قلمداد نمود. ممنوعیت و محدودیت تعلیق و تخفیف مجازات در تبصره این ماده نیز مؤید این موضوع است...»

۱. برای مطالعه بیشتر در این حوزه؛ (نک: آقایی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۱-۴۹؛ آقارنالت، ۱۳۹۶: ۶۳-۴۳)

اجتماعی است. اما پرسش آن است که با وجود تبصره اخیر، وضعیت ماده ۲ قانون تشدید چگونه خواهد بود.

۲. تحصیل نامشروع مال و پولشویی

قانون مبارزه با پولشویی، اصلاحی ۱۳۹۷، آن‌سان که گفته شد، افزون بر جرم‌انگاری پولشویی، جرم‌های دیگری نیز ایجاد کرده است که رابطه تنگاتنگی با جرم پولشویی دارند. در تبصره ۳ ماده ۲ این قانون، عنوان مشهور و قدیمی «تحصیل مال از طریق نامشروع» دوباره پدیدار شده و مجازات شدیدی برای آن در نظر گرفته می‌شود. این تحول، بی‌گمان نشان‌دهنده آن است که بخش اخیر ماده ۲ قانون تشدید، به شرحی که گفته شد، به صدر آن گره خورده و به اشخاص مجوزدار تقلیل می‌یابد. بدین‌سان، قانون مبارزه با پولشویی، با توجه به مشکلات ماده ۲ قانون تشدید که ناظر به موقعیت خاص بوده و با اهداف ویژه تصویب شده است، عنوان «تحصیل مال از طریق نامشروع» را بازسازی کرده و آن را در ذیل جرم پولشویی و در سایه آن جرم‌انگاری می‌کند. غایت و غرض این اقدام، پیشگیری از داراشدن ناعادلانه و پول‌های مشکوک است که طریق تحصیل آن‌ها شفاف نیست. به موازات جرم‌انگاری و کیفرگذاری، قانون مبارزه با پولشویی هم‌سو با تلاش‌های بین‌المللی با کاربست اقدامات و تدابیر پیشگیرنده وضعی^۱، مانند ارتقای شفافیت و ارائه گزارش‌های مالی و کاری، حسابرسی خدمات در بخش‌های دولتی و خصوصی، نظارت بر درآمدها و رهگیری قراردادهای و معاملات، به دنبال بازدارندگی از وقوع جرم‌های اقتصادی و مالی است. اما پرسش آن است که آیا هر نوع تحصیل مال که منشأ آن نامشروع بوده مشمول حکم تبصره ۳ ماده ۲ قانون مذکور است؟ منظور از «مال نامشروع» در این تبصره چیست؟ آیا منظور، «نامشروع» از منظر شرعی است یا اینکه عبارت «نامشروع» مفهوم «غیرقانونی» را دلالت کرده و مصادیقی را دربرمی‌گیرد که طریق تحصیل مال غیرقانونی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها در گرو ورود به مباحث بعدی است.

۲-۱. ماهیت موضوع جرم

تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، تحصیل مال از طریق نامشروع را در حکم مال نامشروع پنداشته و بدین‌سان رفتار مرتکب را جرم می‌داند. به‌موجب تبصره مذکور: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و

۱. در این مورد؛ (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶۹) و در رابطه با عدالت پیشگیرنده به مثابه راهبردی نوین در مقابله و رویارویی با پدیده مجرمانه؛ (نک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۲۶-۲۹۷).

مرتکب... به حبس درجه شش محکوم می‌شود...». مطابق بند (ب) ماده ۱ این قانون، مال شامل «هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا نامشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار»^۱ است. با این توصیف، قانون اصلاحی ۱۳۹۷، رویکرد وسیعی را نسبت به «مال» برگزیده و مطلق اموال را (اعم از مشروع یا نامشروع) موضوع قانون پولشویی قرار داده است.

بدین ترتیب، هر نوع مالی که از طریق نامشروع تحصیل گردد، صرف‌نظر از اینکه مال تحصیل شده مشروع باشد یا نامشروع، در حکم مال نامشروع محسوب شده و رفتار مرتکب، جرم و قابل مجازات است. در واقع، در جرم تحصیل مال از طریق نامشروع ماهیت مال تحصیل شده و مشروعیت یا عدم مشروعیت شرعی یا قانونی بودن آن شرط نبوده و مال به طور مطلق و صرف‌نظر از ماهیت آن، موضوع قانون مبارزه با پولشویی است. اما، پرسش اصلی آن است که مال تحصیل شده باید خود ناشی از جرم باشد یا اینکه ماده شامل اموالی می‌شود که منشأ مجرمانه نداشته و به صورت نامشروع تحصیل شده‌اند. به بیان دیگر، اگر کسی مالی را که ناشی از جرم نیست، از طریق نامشروع تحصیل کند، با منطوق تبصره ۳ قابل مجازات است یا اینکه مرتکب در صورتی مجازات می‌شود که مال، خود ناشی از جرم و به تعبیری ثمره جرم منشأ باشد؟ به نظر می‌رسد، جرم‌انگاری تبصره ۳ ماده ۲، چنانکه در مباحث بعدی مطرح خواهد شد، در چهارچوب مقررات قانون مبارزه با پولشویی قابل فهم بوده و خارج از آن معنا و محملی نخواهد داشت. از همین رو، تحصیل نامشروع مال در حکم مال نامشروع گذاشته شده و فرض بر مجرمانه بودن روش تحصیل گذاشته می‌شود.

۲-۲. منشأ نامشروع مال

با دقت در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، این نکته آشکار می‌شود که قانون‌گذار در ماده قانون مذکور، رکن مادی پولشویی را در چهارچوب اعمالی مانند «تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرم» یا «تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور کتمان کردن منشأ مجرمانه آن» یا «پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد» پیش‌بینی نموده و در هیچ‌یک از بندهای ماده ۲ به اموال نامشروع اشاره نکرده و فقط به مال ناشی از جرم تصریح می‌کند. در واقع، ارتکاب رفتارهای موضوع ماده ۲ باید نسبت به اموالی باشند که ناشی از جرم بوده و در اثر جرم

۱. تعریفی که از مال در بند (ب) ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی اتخاذ شده است، در ظاهر به سایر جرائم تسری نداشته و فقط در چهارچوب همین قانون پذیرفتنی است.

تحصیل شده‌اند؛ مانند آنکه فردی با علم و اطلاع، اموال و عواید حاصل از فروش مواد مخدر را تحصیل، تملک یا استفاده کرده و به‌نوعی آن را مشروع و قانونی جلوه دهد.^۱

بنابراین، چنانچه منشأ و منبع مال، حاصل از جرم نباشد و به عبارتی مال ناشی از اعمال نامشروعی باشد که خود این اعمال عنوان مجرمانه ندارند، مانند مال حاصل از تدلیس در معامله یا دریافت وجه ناروا از دیگری که عنوان کیفری بر آن صادق نباشد، در این صورت، رفتار مرتکب حتی با وجود علم و عمد پولشویی نبوده و در این چهارچوب قرار نمی‌گیرد. تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی که تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم‌انگاری می‌کند، در همین راستا قابل فهم است. تمایز این جرم با پولشویی در بُعد اثباتی قضیه آشکار می‌شود. تبصره ۳ ناظر به حالتی است که با توجه به قرائن و امارات در منشأ مال، شبهه جدی وجود داشته باشد و مشروعیت یا عدم مشروعیت مال برای قاضی محرز نمی‌شود. در واقع، ثابت نمی‌شود که مال از رهگذر جرم به دست آمده یا اینکه حاصل یک فعالیت مشروع است؛ آن چیزی که قطعی و مسجل است، عدم مشروعیت تحصیل مال است. برای مثال، اگر شخصی اموال انبوهی را که منشأ آن‌ها نامعلوم و مجهول و فاقد رهگیری است، تحصیل نماید، رفتار ارتكابی به شرح تبصره مذکور جرم و قابل مجازات است، مگر آنکه مرتکب بتواند منشأ مشروع را اثبات نماید. وانگهی، اگر ثابت شود مال تحصیل‌شده خود ناشی از جرم نبوده و دارای منشأ مشروع است، ولی در اثر اقدامات نامشروع، مانند انجام معاملات غرری، به دست آمده باشد، در این صورت، به نظر می‌رسد که رفتار شخص، مشمول تبصره ۳ ماده ۲ نبوده و مجازات چنین فردی با روح حاکم بر تبصره سازگاری ندارد.

۲-۳. طریق نامشروع تحصیل

قانون مبارزه با پولشویی، به پیروی از قانون تشدید، طریق نامشروع تحصیل (و نه تحصیل مال نامشروع) را جرم‌انگاری کرده است. چیزی که گرانیگاه هر دو قانون است، عدم مشروعیت روش و چگونگی تحصیل مال است و ماهیت مال تحصیل‌شده و مشروع یا نامشروع بودن آن مؤثر در مقام نیست. برای مثال، دریافت مالی که از رهگذر جرم به دست آمده باشد، بدون علم و اطلاع به منشأ مجرمانه آن جرم نبوده و مشمول قانون پولشویی نیست. بر همین مبنا، وجهی که از رهگذر کلاهبرداری به دست آمده است و به اشتباه به حساب فردی واریز می‌شود و آن فرد به عمد از

۱. پولشویی یا تطهیر پول که فرآیند تغییر شکل یا نحوه استفاده عواید نامشروع جرائم را هموار می‌سازد، از دیرباز با قاچاق مواد مخدر همراه بوده است؛ اما امروزه این جرم گستره وسیع‌تری پیدا کرده و جرم‌انگاری آن به‌عنوان رکن اصلی مبارزه با فساد شناخته می‌شود (نک: افوسو و دیگران، ۱۳۸۴: ۸۹، رضوی‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۱۴-۱۰۷).

استرداد وجه خودداری می‌ورزد، تحصیل مال از طریق نامشروع نیست؛ داراشدن مال، حتی اگر آن مال ناشی از رفتار مجرمانه باشد، جرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه مشمول داراشدن ناعادلانه موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی باشد. در واقع، تحصیل مال از طریق نامشروع مستلزم انجام رفتاری است که خود آن رفتار نامشروع باشد (نک: آفاسلار و دیگران، ۱۳۹۵: ۹) و منظور از «نامشروع» در این مورد، به ظاهر عدم مشروعیت قانونی (و نه شرعی) است. ماده ۲ قانون تشدید نیز با این قید که «طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» بر نکته مذکور صحه می‌گذارد.^۱ بدین‌سان، فردی که مال گران‌قیمتی را از دیگری بدون رعایت تشریفات قانونی و دریافت قبض و شناسه کالا، به ثمن بخش می‌خرد و با توجه به قرائن و امارات این شبهه قوی وجود دارد که مال فروخته‌شده به احتمال ناشی از کلاهبرداری یا جرم‌های دیگر است، در واقع، وی مرتکب تحصیل مال از طریق نامشروع شده و چنانچه برای قاضی علم و اطلاع مرتکب به منشأ مجرمانه مال احراز نشود و در عین حال، مرتکب نیز نتواند تحصیل مشروع یا منشأ مشروع مال را ثابت نماید، به اتهام مذکور قابل تعقیب است. چنانچه تحصیل نامشروع مال، به‌عنوان جرم خاص در قانون پیش‌بینی شده باشد، مانند تحصیل مال مسروق (ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)، مورد از شمول تبصره ۳ ماده ۲ خارج بوده و تابع حکم خاص خواهد بود. استناد به تبصره مذکور ناظر به موارد ظن قوی به تحصیل نامشروع مال است. از این‌رو، اگر منشأ مجرمانه معلوم و مشخص باشد و ثابت شود که مال به‌طور قطع ثمره ارتکاب سرقت است، استناد به تبصره ۳ ماده ۲ امکان‌پذیر نبوده و حکم خاص (ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) مجری خواهد بود.

بنابراین، اگر کسی با علم و اطلاع به اینکه مالی که در معرض فروش گذاشته شده است، با توجه به قیمت پایین آن، بی‌گمان، حاصل یک فرایند مجرمانه است، آن را بخرد، مشمول حکم تبصره مذکور است. در واقع، قانون‌گذار نقل و انتقال چنین اموالی را به رسمیت نشناخته و اعتبار قانونی برای آن‌ها قائل نیست؛ از این‌رو، اگر شخصی اقدام به معامله و خرید اموال ناشی از جرم یا اموالی که در منشأ آن‌ها شبهه جدی وجود دارد، بنماید، به جهت غیرقانونی بودن شیوه تحصیل، مرتکب تحصیل مال از طریق نامشروع شده است. شخص در اینجا مالی را که خود ناشی از جرم

۱. مبنای جرم‌انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع در ماده ۲ قانون تشدید حفظ نظم اجتماعی به‌عنوان یک راه‌حل اقتصادی برای پیشگیری از تورم و بورس‌بازی‌های کاذب در شرایط بحرانی سال‌های آخر جنگ بوده است. بنابراین، ماده ۲ نمی‌تواند به یک مبنای شرعی متکی باشد. در واقع، دغدغه قانون‌گذار سخت‌گیری در خصوص اشخاصی است که به‌نوعی نماینده دولت تلقی و مردم و دولت به آن‌ها اعتماد کرده و امتیازهایی را به آن‌ها واگذار کرده‌اند (نک: شاکری و ابوعلی، ۱۳۹۶: ۹۹).

است، با علم و اطلاع یا قرائن اطمینان‌آور (مانند قیمت نازل یا اصرار فروشنده بر محرمانه بودن معامله) معامله می‌کند که به سبب عدم مشروعیت جهت، اعتباری به لحاظ قانونی ندارد. نتایج این تفسیر در قالب دو گزاره قابل طرح است: نخست، مال تحصیل شده به دلالت ظن نزدیک به علم، نامشروع و به احتمال ناشی از جرم است؛ دوم، طریق تحصیل مال به دلالت ظن نزدیک به علم نامشروع است. حکم تبصره ۱ در ظاهر با گزاره دوم قابل انطباق است؛ ولی در واقع با هر دو گزاره منطبق است؛ زیرا تحصیل مالی که خود نامشروع و به احتمال قوی ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه است، نمی‌تواند تحصیل مشروعی باشد و قانون‌گذار این نوع تحصیل مال را طریق مشروع نمی‌داند. در واقع، در فرضی که منشأ مال نامشروع است، طریق تحصیل آن نیز مشروع نبوده و نقل و انتقال چنین اموالی به لحاظ قانونی اعتباری ندارد. ممکن است مال، مشروع و حاصل ارتکاب جرم نباشد؛ اما طریق تحصیل آن، نامشروع و ثمره یک رفتار نامشروع (مجرمانه) باشد که در این مورد نیز رفتار مرتکب با توجه به ظاهر تبصره ۳ ماده ۲ با آن منطبق است. در حالت اخیر، این ظن قوی وجود دارد که شخص، اموال و دارایی‌های نامتعارف را از رهگذر ارتکاب جرم که ماهیت آن برای مقام قضایی ثابت نمی‌شود، به دست آورده که در این صورت، در فرض ناتوانی مرتکب از اثبات تحصیل مشروع، به مجازات جرم مدنظر محکوم خواهد شد.^۱

۲-۴. دگرگونی بار اثبات

سیاست جنایی بین‌المللی و نیز سیاست کیفری پاره‌ای از کشورهای دنیا در رابطه با مبارزه با فساد به سمت دگرگون کردن بار اثبات گام برداشته است. در این مورد، برای سبک کردن بار اثباتی که همواره بر دوش دادستان است، در شرایطی متهمان با مشکل حقوقی مواجه می‌شوند و بار اثبات بی‌گناهی دگرگون می‌شود. کافی است دادستان با اثبات یکی از عناصر کلیدی جرم، مانند نامشروع بودن تحصیل دارایی یا منافع خدمات، دعوی عمومی را به جریان اندازد که در این شرایط، وظیفه متهم است که تحصیل مشروع اموال را به اثبات رساند (افوسو و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۴). حکم تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی نیز در همین راستا قابل توجیه است. با توجه به رویکرد

۱. این رویکرد در اسناد بین‌المللی مرتبط با فساد نیز دیده می‌شود. به موجب بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۸۸: «هر یک از اعضا می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشأ قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی در معرض ضبط به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیره آن در انطباق می‌باشد، معکوس گردد.» بند ۷ از ماده ۱۲ کنوانسیون ملل متحد علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالمو، ۲۰۰۰) نیز رویکرد مشابهی دارد: «کشورهای عضو می‌توانند مقرر نمایند مجرم باید منبع قانونی عواید مورد ادعای حاصل از جرم یا سایر اموال قابل مصادره را ارائه نماید؛ به این شرط که این امر با اصول حقوقی داخلی آن‌ها و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا سایر دادرسی‌ها انطباق داشته باشد.»

کلی قانون مذکور و سایر مواد مرتبط، موضوع جرم در این تبصره، محدود به اموالی می‌شود که منشأ مشروع آن‌ها ثابت نشده است و با توجه به امارات و شواهد عینی، ظن قوی به غیرقانونی و مجرمانه بودن تحصیل وجود داشته باشد. در واقع، تردید جدی وجود دارد که مال تحصیل شده، حاصل ارتکاب جرم بوده یا اینکه از راه مشروع به دست آمده است. در این حالت، فرض بر این گذاشته می‌شود که مال از رهگذر ارتکاب جرم تحصیل شده و این وظیفه متصرف است که منبع تحصیل مشروع دارایی را ثابت نماید.

با لحاظ تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی که مقرر می‌دارد: «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسئولیت اثبات صحت آن‌ها برعهده متصرف است»، این نتیجه استنباط می‌شود که در صورت ناتوانی از اثبات، حکم تبصره ۳ ماده ۲ اعمال شده و این‌گونه فرض می‌شود که مال به دست آمده از رهگذر جرم تحصیل شده است. الزام دادستان به اثبات ارکان جرم در این موارد، وظیفه محال و دشواری است که تلاش‌ها را برای مبارزه با فساد ناکام می‌گذارد.^۱ آنچه او باید ثابت نماید، شواهد و مدارک عینی برای تصاحب ثروت و دارایی‌های نامعلوم است که با ضابطه «ظن نزدیک به علم» مشروع و قانونی نیست.

با این حال، این ایراد قابل بررسی است که اجبار متهم به ارائه دلیل پیرامون منبع دارایی خود با اصل براءت و الزام مدعی به عرضه دلیل، در تعارض است. در مقابل، با توجه به ضابطه ظن قوی به تحصیل نامشروع مال با عنایت به افزایش نامتعارف دارایی و ثروت‌های نامعلوم یا معاملات مشکوک،^۲ ایراد مذکور چندان پذیرفتنی نبوده و ظن نزدیک به علم مبتنی بر شواهدی است که

۱. با این حال، پاره‌ای نوشته‌ها، به رغم اذعان به آثار مخرب تحصیل نامشروع مال به‌عنوان عاملی برای گسترش فساد، دگرگون شدن بار اثبات را موجب نقض حقوق بنیادین متهم دانسته‌اند و از این رو، به جای تجویز کیفری برای مبارزه با فساد، جایگزین‌ها و اقدامات بازدارنده غیرکیفری را توصیه می‌کنند (نک: Boles, 2014: 861-869). قوانین و مقررات بین‌المللی ضد فساد رسمی، دستورالعمل روشنی در مورد چگونگی پیشبرد توازن در مورد حق متهم برای بی‌گناه بودن و حق جامعه برای ردیابی و بازپس‌گیری ثروت ملی غیرقانونی ارائه نمی‌دهد (نک: Kofele-Kale, 2012).

۲. به موجب تبصره بند (ب) ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی: «معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که براساس اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به‌طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند.» مانند معاملات و عملیات صوری یا معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب‌رجوع که به‌نحو فاحش بیش از سطح فعالیت انتظاررفته وی باشد؛ کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه؛ وقوع معامله در مناطق پرخطر به‌لحاظ پولشویی باشد و... .

دادستان تمهید می‌نماید؛ برای مثال، وقتی یک قاچاقچی دستگیر شود و ظن قوی بر این باشد که اموال غیرمنقول وی که به تازگی صاحب شده ثمره قاچاق است، در این شرایط، او باید ثابت نماید که مال ربطی به قاچاق نداشته و از راه مشروع به دست آمده است؛ در غیر این صورت، متهم می‌تواند پرسش مربوط به منشأ دارایی خود را بی‌پاسخ گذاشته و ادعا نماید که بر اساس اصل برائت این نظام قضایی است که باید ثابت نماید که مال، حاصل فرایند غیرقانونی است. بنابراین، برای اینکه پرسش «از کجا آورده‌ای؟» از یک شعار سیاسی به یک مفهوم حقوقی برسد، ناگزیر به گذار از اصل برائت و دگرگون نمودن بار اثبات می‌باشیم (نک: زر نشان و شجاعی نصرآبادی، ۱۳۹۶: ۱۸۹).^۱

مبارزه همه‌جانبه و کارآمد علیه فساد مالی مستلزم دگرگونی در بار اثبات و الزام متهم به اثبات منبع دارایی خویش است. با توجه به اصل عمدی بودن جرائم، اگر متهم اثبات نماید که تحصیل نامشروع عمدی نبوده و ناشی از سهل‌انگاری وی بوده است، از اتهام مزبور تبرئه می‌شود.

۳. تداخل عناوین مجرمانه

با تقلیل و تحدید موضوع جرم در تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی به اموالی که منشأ و طریق تحصیل آن‌ها معلوم نیست و به تبع، ظن به مجرمانه‌بودنشان تقویت می‌شود، حال پرسش آن است که چگونه می‌توان بین این جرم و پولشویی تمایز ایجاد کرد؟ به‌ویژه آنکه تحصیل آگاهانه عواید حاصل از ارتکاب جرم به موجب بند (الف) ماده ۲ قانون مذکور، پولشویی محسوب شده و مجازات این جرم را دارد. وانگهی، جرم تحصیل مال از طریق نامشروع با جرائم دیگری مانند تحصیل مال مسروقه (ماده ۶۶۲ ق.م.ا.ت^۲) نیز تداخل پیدا می‌کند که به ابهام‌های زیادی می‌تواند دامن بزند. در پاسخ به پرسش مذکور، باید به این نکته توجه شود که «تحصیل مال از طریق نامشروع» بیشترین تداخل را با جرم «پولشویی» دارد که برای رهایی از آن، چاره‌ای جز تفسیر و توجه به منطوق و مفهوم واژگان قانونی نیست.

۱. در همین راستا، بند (پ) ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی، اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون را مکلف به ارائه گزارش معاملات یا عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آن‌ها به مرکز اطلاعات مالی کرده است. مرکز اطلاعات مالی، مؤسسه‌ای دولتی تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

۲. از این پس «ق.م.ا.ت» نشان اختصاری قانون مجازات اسلامی «تعزیرات»، کتاب پنجم، مصوب ۱۳۷۵ است.

۳-۱. تمایز جرم از پولشویی

ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی که رکن مادی این جرم را در سه بند جداگانه مورد توجه قرار داده است، تحصیل عواید حاصل از ارتکاب جرم را پولشویی محسوب کرده است. با این توصیف، اگر موضوع تحصیل در تبصره ۳ ماده ۲ را به مال ناشی از جرم (جرم منشأ) محدود کنیم، در آن صورت، تمایز این جرم با پولشویی چیست؟ برای رهایی از این تعارض، لاجرم به تمایز موضوع روی آورده و موضوع پولشویی را جرم منشأ و موضوع تحصیل مال از طریق نامشروع را مالی بدانیم که در خصوص منشأ مجرمانه بودن آن شبهه جدی وجود دارد. این پاسخ که با تفسیر منطوقی از تبصره حاصل می شود، بی گمان، با روح قانون مبارزه با پولشویی که به دنبال شفاف سازی منشأ تحصیل اموال است، سازگاری بیشتری دارد. بنابراین، برای تمایز تبصره ۳ ماده ۲ از جرم پولشویی، ناگزیر باید به مفاد تبصره توجه کنیم. به موجب این تبصره «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و...». با این عبارت پردازی و به ویژه تأکید بر «ظن نزدیک به علم» این نتیجه حاصل می شود که برای دادگاه علم قطعی به شرحی که در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی آمده است، حاصل نشده و اطمینان قاضی در حد ظن نزدیک به علم است. در واقع، یقین حاصل از مستندات بین برای قاضی مطرح نشده و موضوع در چهارچوب یک ظن قابل بررسی است.

بدین سان، اگر علم قطعی وجود داشته باشد که مال تحصیل شده حاصل ارتکاب جرم است، در آن صورت، رفتار مرتکب در چهارچوب مقررات پولشویی قابل مجازات خواهد بود. هرچند در بخش اخیر تبصره ۱ ماده ۲ قانون پولشویی مقرر شده که «منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است»، اما این تبصره به این معنا نیست که «ظن نزدیک به علم» به لحاظ اثباتی همان ارزش «علم قاضی» را دارد؛ چیزی که تبصره در صدد بیان آن است، این نکته است که در «ظن نزدیک به علم» برای تشخیص مفهوم «علم» باید قانون مجازات اسلامی را مبنا قرار داد. در این مورد، ظنی وجود دارد که نزدیک به علم است، ولی علم قطعی نیست. بنابراین، اگر علم قطعی وجود داشته باشد که شخص اموال ناشی از جرم را تحصیل کرده است، در آن صورت، استناد به تبصره ۳ ماده ۲ محتمل نداشته و رفتار مرتکب با جرم پولشویی، که مجازات شدیدتری (حبس درجه چهار یا پنج حسب مورد) دارد، قابل انطباق است.

در چنین پرونده هایی، اگر برای قاضی رسیدگی کننده با توجه به شواهد و مدارک محرز شود که مرتکب، مال ناشی از جرم را تحصیل کرده است، به طور قطع، باید اتهام پولشویی را تفهیم کند (نک: رحمدل، ۱۳۹۵: ۸۱)؛ چنانچه این موضوع ثابت نشده و در عین حال مشروعیت منشأ و روش

تحصیل مال اثبات نشود و مرتکب نیز نتواند آن را ثابت کند، بی‌گمان، اتهام «تحصیل مال از طریق نامشروع» با معیار «ظن نزدیک به علم» تفهیم شده و مجازات این جرم در نظر گرفته می‌شود. اشاره قانون‌گذار به «ضبط مال» در کنار حبس درجه شش به‌روشنی دلالت بر این نکته دارد که مال موضوع تحصیل در این تبصره، به احتمال ناشی از جرم است؛ اما علم قطعی در این رابطه وجود نداشته و چیزی که قطعیت دارد، آن است که منشأ مشروع مال یا مشروعیت تحصیل آن به اثبات نرسیده است. پرواضح است که اگر مال حاصل از جرم، مالک داشته باشد، باید حکم به رد مال صادر شود.

از چشم‌اندازی دیگر، تبصره ۳ ماده ۲ قانون پولشویی افزون بر منشاء نامشروع، طریق نامشروع را نیز شامل می‌شود و از این رو، رفتار مرتکب ممکن است به‌لحاظ شیوه تحصیل (و نه منشأ)، مشکوک و در مظان اتهام باشد که بی‌گمان آن را از جرم پولشویی متمایز می‌سازد. در این موارد، در صورت احراز نکردن عنوان مجرمانه خاص، مانند سرقت یا کلاهبرداری یا سایر جرائم، اتهام تحصیل به شرح تبصره مذکور تفهیم می‌شود.

۲-۳. تداخل با سایر عناوین مجرمانه

تحصیل مال از طریق نامشروع ممکن است با جرم‌های دیگری نیز تداخل کند که به شرح زیر قابل تحلیل و بررسی است:

الف) داراشدن مشکوک اموال: افزایش نامتعارف و چشمگیر دارایی یا به تعبیر برخی، داراشدن توجیه‌ناپذیر^۱ در یک سال پایه، که در ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳)^۲ به‌عنوان یکی از شکل‌های فساد مالی پیش‌بینی شده بود، با وجود شرایطی، در تبصره ۲ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی جرم‌انگاری شده است. به‌موجب این تبصره «داراشدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبته می‌باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای

۱. درباره مفهوم داراشدن توجیه‌ناپذیر؛ (نک: آقابابایی، ۱۳۹۶: ۴۳۵-۴۳۱ و میرسعیدی و نجارزاده، ۱۳۹۱: ۸۰-۵۷)

۲. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مشهور به کنوانسیون مریدا، در سال ۲۰۰۳ تصویب و در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون در حال حاضر ۱۸۹ عضو دارد و ایران یکی از اعضای آن است. به‌موجب ماده ۲۰ این کنوانسیون: «هر کشور عضو، با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات لازم را مدنظر قرار می‌دهد تا داراشدن من غیرحق، یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مقام دولتی را که به‌صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به‌صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم کیفری تلقی کند.» تفاوت این ماده با تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی در این است که برخلاف تبصره مذکور، جرم‌انگاری داراشدن ناعادلانه را به مقامات دولتی محدود کرده و عمومیت ندارد. درباره آشنایی با کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد مالی؛ (نک: محمودی، ۱۳۹۶: ۷۶۶-۷۶۰).

سال‌های بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبت که قابل راستی‌آزمایی باشد، به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک چهارم ارزش آن اموال خواهد بود. در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می‌شود.^۱ در این مورد، قانون‌گذار فرض بر این گذاشته که دارا شدن اموال به میزان بیش از ده میلیارد ریال در یک سال پایه از راه مشروع نبوده و به احتمال ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه است.^۲ بنابراین، برای رهایی از این اتهام، چاره‌ای غیر از تقدیم اسناد مثبت که برای دادگاه قابل راستی‌آزمایی باشد، وجود ندارد. در صورتی که برای دادگاه ظن نزدیک به علم ایجاد شود که افزایش دارایی از طریق نامشروع ایجاد شده است، در آن صورت، مرتکب از شمول تبصره ۲ خارج شده و از بابت تعدد معنوی به مجازات اشد (تبصره ۳ ماده ۲) محکوم می‌شود. استناد به جرم موضوع تبصره ۲ زمانی مصداق دارد که شرایط تبصره ۳ حاکم نباشد و هیچ ظنی برای تحصیل مال از طریق نامشروع وجود نداشته باشد.

ترتیب مذکور، در فرضی که افزایش دارایی ناشی از پولشویی یا مصداقی از آن باشد، نیز لازم‌الرعایه است و مرتکب در این مورد به مجازات اشد (پولشویی) محکوم می‌شود. نکته درخور توجه در مورد دارا شدن ناعادلانه، برخلاف پولشویی یا جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، این است که دارا شدن لازم نیست که ناشی از یک کنش ایجابی (فعل) باشد؛ واریز وجه اشتباهی به حساب دیگری و امتناع صاحب حساب از اعلام آن (ترک فعل) مصداق دارا شدن ناعادلانه به شرح مقرر در قانون است؛

ب) تحصیل مال مسروق: جرم دیگری که می‌تواند با جرم تحصیل مال از طریق نامشروع یا حتی پولشویی هم‌پوشانی داشته باشد، جرم موضوع ماده ۶۶۲ ق.م.ا.ت است که شامل تحصیل، قبول، مخفی کردن و معامله اموال مسروقه می‌شود. البته، عبارت «تحصیل» به اندازه کافی جامعیت دارد که سایر مصداق رکن مادی در ماده مذکور را شامل شود. پرسش این است که اگر مالی که از طریق نامشروع تحصیل می‌شود، مال مسروق باشد و ظن نزدیک به علم نیز به این موضوع وجود

۱. دارا شدن ناروا و ناعادلانه (Illicit Enrichment)، با وجود شناخت فراگیر جهانی به‌عنوان یک فساد مالی هنوز در سیاست جنایی کشورها راه نیافته و پیرامون جرم‌انگاری آن بحث و جدل‌های فراوانی وجود دارد (نک: Muzila & others, 2012: 5-7). این تأخیر و اقدام دیر هنگام بیشتر به جهت آن است که جرم‌انگاری این عنوان، راه را برای نقض حقوق متهم به بهانه مبارزه با فساد هموار نموده و بهانه‌ای برای دست‌اندازی به دارایی اشخاص خواهد شد. دولت‌ها بیشتر به دنبال راهی برای ایجاد توازن بین حقوق متهمان و حقوق جامعه برای بازگرداندن ثروت‌های ناروا می‌باشند. انتقال دارایی‌ها به خارج از کشور توسط مقامات ارشد کشورهای در حال توسعه، نگاه افکار عمومی را به مبالغی معطوف کرده که بسیار بیشتر از منابع قانونی درآمد آن‌هاست (نک: Maud, 2012: 1-4).

داشته باشد، در آن صورت چاره چیست؟ به نظر می‌رسد، در این مورد، به شرط اثبات مسروق بودن مال، حکم خاص ماده ۶۶۲ اعمال می‌شود و استناد به تبصره مذکور یا حتی مجازات پولشویی امکان‌پذیر نخواهد بود (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۲۵۱؛ الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۵: ۳۰۴-۳۰۳). چنان‌که گفته شد، مفاد تبصره ۳ در فرضی که ثابت شود منشأ مال به‌طور قطع ناشی از ارتکاب جرم است، اعمال نمی‌شود؛ اما اگر موضوع در چهارچوب ظن نزدیک به علم قابل بررسی باشد، یعنی قاضی با توجه به شواهد و قرائن، ظن (نه علم قطعی) به مسروقه بودن مال پیدا کند، اتهام تحصیل نامشروع موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون پولشویی را تفهیم می‌نماید و در این مورد، به دلالت ظنی بودن موضوع، اتهام دریافت مال مسروق (ماده ۶۶۲) مطرح نیست؛

پ) سایر عناوین مجرمانه: تحصیل مال از طریق نامشروع ممکن است با جرم‌های دیگری مانند حمل یا نگهداری مشروبات الکلی (ماده ۷۰۲ ق.م.ا.ت)، حمل یا نگهداری کالای قاچاق و ارز (مواد ۱۸ و ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲)، تحصیل مواد مخدر (مواد ۳، ۴ و ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹) یا حتی با جرم مشهور تحصیل مال از طریق نامشروع (موضوع ماده ۲ قانون تشدید) تداخل کند که در تمام موارد مذکور، به نظر می‌رسد حکم خاص اجرا شده و استناد به تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی توجیهی نخواهد داشت؛ زیرا، آن‌سان که گفته شد، مفاد تبصره ناظر به حالتی است که منشأ مال برای قاضی به‌طور دقیق مشخص نبوده و شبهه تحصیل آن از طریق ارتکاب جرم وجود دارد؛ آنچه روشن است، مال از راه قانونی و متعارف تحصیل نشده و مرتکب نیز نمی‌تواند مشروعیت تحصیل را ثابت کند؛ از این رو، با توجه به ضابطه «ظن نزدیک به علم» بنا بر این گذاشته می‌شود مال از راه مجرمانه تحصیل شده است. بنابراین، در هر مورد که تحصیل مال از طریق نامشروع مشمول حکم خاصی، مانند سرقت، کلاهبرداری یا جرائم دیگری باشد و این امر ثابت گردد، استناد به تبصره ۳ ماده ۲ فاقد توجیه خواهد بود.

ممکن است این ادعا مطرح شود که در خود تبصره به این نکته اشاره شده است که چنانچه رفتار مرتکب مشمول مجازات شدیدتری باشد، همان مجازات تعیین می‌شود؛ بنابراین، اعمال مقررات تعدد معنوی اجتناب‌ناپذیر است. در پاسخ باید گفت این قید در حالتی مفهوم پیدا می‌کند که منشأ مجرمانه مال روشن نبوده و قانون‌گذار به‌طور مطلق تحصیل نامشروع مال را در مقررات دیگری جرم‌انگاری کرده باشد. بدین ترتیب، در صورتی که منشأ مال تحصیل شده مشخص و ثابت شود که ناشی از جرم بوده است، مانند مال مسروقه یا اموال ناشی از قاچاق، یا از راه مجرمانه، نظیر سرقت یا کلاهبرداری، تحصیل شده است، دیگر استناد به تبصره ممکن نیست و حکم خاص اجرا می‌شود. حتی در فرض نخست که مال، خود ثمره ارتکاب جرم است، در فرض پذیرش تعدد

معنوی، جرم پولشویی با جرم خاص تداخل می‌کند که در این صورت نیز به باور نگارنده، مورد از شمول تعدد معنوی خارج بوده و باید حکم خاص اجرا گردد. نتیجه اینکه قید «در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد»، به شرحی که گفته شد، ناظر به موردی است که قانون‌گذار در قوانین دیگر تحصیل مال از طریق نامشروع را بدون توجه به منشأ، جرم‌انگاری کرده باشد که مصداق بارز آن، قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید است که با توجه به تفسیری که ارائه دادیم، به صدر ماده گره می‌خورد و به اشخاص برخوردار از امتیازات خاص محدود می‌شود. چنانچه این اشخاص با سوءاستفاده از امتیازها، مالی را تحصیل کنند که طریق آن نامشروع است، در آن صورت، شاید بتوان از باب مقررات تعدد معنوی، مجازات اشد (حبس درجه شش، یعنی بیش از ۶ ماه تا ۲ سال، موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون پولشویی) را اعمال کرد. در این فرض، مجازات اخیر از مجازات مقرر در ماده ۲ قانون تشدید، که ۲ ماه تا ۲ سال حبس است، دست‌کم از حیث حداقل شدیدتر است. مشکلی که در این میان وجود دارد، آن است که قانون تشدید یک قانون خاص و مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و بنا به تفسیری از شورای نگهبان، قوانین مصوب مجلس جز در موارد استثنایی یا شرایط خاص^۱ نمی‌توانند نسخ قوانین مجمع باشند. چنانچه این تفسیر که نوعی برداشت بدیع از نهاد قانون‌گذاری است، پذیرفته شود، دیگر تداخلی میان بخش اخیر قانون تشدید و قانون مبارزه با پولشویی به وجود نیامده و هر حکمی در موقعیت خاص خود تفسیر می‌شود.

با این حال، ماده ۵ قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها، مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۳۷، ممکن است با تبصره ۳ ماده ۲ قانون پولشویی تداخل کند که در این مورد، اعمال مقررات تعدد معنوی و تعیین مجازات اشد بلامانع است. مشمولین این قانون، باید به تمامی پرسش‌های مربوط به تغییرات ایجادشده در صورت دارایی جواب صریح دهند. در صورتی که اضافه دارایی از طریق غیرمشروع تحصیل شده باشد، مرتکب به انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و مؤسسات مذکور در ماده اول و ضبط آن مال محکوم خواهد شد.^۲ این قانون که در ادبیات ژورنالیستی به قانون «از کجا

۱. مطابق نظریه شورای نگهبان به شماره ۵۳۱۸ مورخ ۷۲/۷/۲۴: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد...»

۲. ماده ۲ قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری، مصوب ۲۵ دی ماه ۱۳۳۷ نیز مداخله کارگزاران حکومتی در معاملات دولتی احصاشده در ماده ۱ این قانون را جرم‌انگاری و مجازات حبس ۲ تا ۴ سال را مقرر کرده است. جرم‌انگاری در این باره، به احتمال ناشی از ظن قوی به تحصیل نامشروع مال است. همچنین، به موجب ماده ۱۴

آورده‌ای؟» شهرت دارد، تغییر دارایی مقامات، همسر و فرزندان آن‌ها را نامشروع پنداشته و آن‌ها را مکلف به پاسخ‌گویی می‌کند. با توجه به میزان مجازات و اینکه انفصال دائم درجه چهار محسوب شده و از مجازات حبس درجه شش شدیدتر است، بنابراین، در فرض تداخل دو قانون، قانون ۱۳۳۷ حاکم می‌شود.

نتیجه‌گیری

جرم «تحصیل مال از طریق نامشروع» که برای نخستین بار در بخش اخیر ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ جرم‌انگاری شد، در عمل برخلاف روح حاکم بر آن، گستره وسیعی پیدا کرد و رویه قضایی سال‌ها راهی را پیمود که پیامد آن، مجازات هر نوع انحراف یا لغزش اقتصادی بود. در سال‌های اخیر به مدد تلاش پاره‌ای از حقوق‌دانان با توسل به تفسیر غایی، خوانش دیگری بر رویه قضایی سایه افکننده که ذیل ماده ۲ قانون تشدید را به صدر آن پیوند می‌زند و تحصیل مال از طریق نامشروع را شامل اشخاصی می‌داند که دولت امتیازهایی را به جهت داشتن شرایط مخصوص به آن‌ها داده است و آن اشخاص با سوءاستفاده از امتیازهای اعطایی، وجوهی را تحصیل می‌کنند که طریق آن مشروعیت قانونی ندارد. بدین‌سان، با برداشت‌های جدید، تفسیر مضیقی از این جرم شکل می‌گیرد که با روح قانون و حقوق و آزادی‌های فردی سازگاری بیشتری دارد.

تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، اصلاحی ۱۳۹۲، دوباره عنوان تحصیل نامشروع مال را بازآفرینی کرده است و با تعیین حبس درجه شش و ضبط اموال، مشروط به اینکه رفتار مرتکب مشمول مجازات شدیدتری نباشد، آن را جرم‌انگاری می‌کند. این رویکرد، در عمل به این ابهام دامن می‌زند که با وجود این تبصره، آیا بخش اخیر ماده ۲ قانون تشدید منسوخ شده یا اینکه اقدام تازه، منصرف از قانون سابق است. به نظر می‌رسد نسخ در این موارد، با توجه به شرایط و اهداف هر دو قانون اعتباری نداشته باشد و با لحاظ رویکرد تفسیری شورای نگهبان به قوانین مصوب مجمع و عدم جواز نسخ این قوانین با مقررات مجلس مگر در شرایط استثنایی، مفاد ماده ۲ قانون تشدید با تفسیری که عرضه شد، همچنان لازم‌الرعایه است و تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۳ که به باور برخی حقوق‌دانان ارتباط تنگاتنگی با پولشویی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۹)، «هر گونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات باطل و بلاثر است. انتقال‌گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال‌دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.» مجازات کلاهبرداری بیشتر به این سبب است که مال مورد معامله ناشی از ثروت‌های نامشروع است و خرید و فروش آن مشروعیت ندارد. در تمام موارد مذکور، امکان حدوث تعدد معنوی وجود دارد.

پولشویی منصرف از آن می‌باشد. البته، جرم مذکور با جرم‌های دیگری مانند ماده ۵ قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان و... ممکن است تداخل کند که در این صورت، اعمال مقررات تعدد معنوی اجتناب‌ناپذیر است.

با این حال، تبصره مذکور، به لحاظ مفهومی لغزنده و ابهام‌ساز است و در عمل می‌تواند همان راهی را بییماید که ماده ۲ قانون تشدید پیموده است. در واقع، عنوان تحصیل نامشروع مال در تبصره مذکور می‌تواند مستمسکی برای مجازات خطاهای مالی افراد باشد که عنوان مجرمانه خاص ندارند. برای پیشگیری از این مشکل، مقررات این تبصره را باید در پرتو جرم پولشویی تفسیر کرد. بدین معنا، چنانچه برای قاضی محرز گردد که منشأ مال تحصیل شده نامشروع (غیرقانونی) است و با توجه به «ظن نزدیک به علم» در مشروعیت منشأ شبهه جدی وجود داشته باشد و معلوم نباشد که مال یا طریق دستیابی به آن، ثمره ارتکاب جرم است یا اینکه از راه مشروع تحصیل شده است، با توجه به قرائن و امارات موجود، مانند افزایش ناگهانی سرمایه و نبود شناسه مالکیت کالا یا کد رهگیری و نظایر این‌ها، فرض تحصیل مال از طریق نامشروع (یعنی ارتکاب جرمی که نوع آن به نظر مقام قضایی مشخص نیست) تقویت می‌شود و در این صورت، وظیفه شخص متصرف است که برای دفع اتهام از خود ثابت کند که مال و روش تحصیل آن، ناشی از ارتکاب جرم نبوده و به صورت مشروع حاصل شده است. بی‌گمان، اگر ثابت شود که مال ناشی از جرم بوده و مرتکب با علم و اطلاع آن را تحصیل کرده است، به اتهام پولشویی مجازات می‌شود و دیگر نوبت به تفهیم اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع نمی‌رسد؛ اما اگر شبهه وجود داشته باشد و این ظن تقویت گردد که مال به احتمال قوی حاصل یک رفتار مجرمانه است، در آن صورت، مجازات جرم تحصیل مال از طریق نامشروع تعیین می‌گردد. در صورتی که ثابت شود که مال ثمره ارتکاب جرم نبوده و اماره‌ای در میان نباشد، اما روند تحصیل مال حاصل یک تخلف حقوقی باشد، اتهام تحصیل نامشروع پذیرفتنی نیست و جرمی در این میان واقع نشده است. در واقع، اتهام «تحصیل از طریق نامشروع» نمی‌تواند به مثابه دستاویزی برای مجازات اشخاصی باشد که با عدول از مقررات قانون مدنی مالی را تحصیل کرده‌اند. مناسب‌تر آن است که در جرم‌انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع، حداکثر دقت و شفافیت به کار گرفته شود و از کاربست واژگان مبهم و تأویل‌بردار اجتناب گردد. ابهام‌نویسی و استفاده از عنوان‌هایی که مفهوم آن‌ها لغزنده و تفسیرپذیر است، در عمل به شکل‌گیری سلايق قضایی گوناگون دامن زده و حقوق و آزادی‌های اشخاص را تحدید می‌کند.

منابع

الف) فارسی

۱. آزمایش، سیدعلی (۱۳۸۸)، «تحصیل مال نامشروع یا تحصیل مال از طریق نامشروع؟»، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۶.
۲. آقابابایی، حسین (۱۳۹۶)، «داراشدن توجیه‌ناپذیر»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش: امیر حسن نیازپور، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۳. آقارنالت، سامان (۱۳۹۶)، سیاست جنایی قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۴. آقارنالت، سامان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد؛ صابر، محمود (۱۳۹۵)، «گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار و رویه قضایی ایران در قبال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع؛ با رویکرد تطبیقی بر گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، ش ۲، صص ۱-۳۴.
۵. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۰)، «با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید به کجا می‌رویم»، ماهنامه قضاوت، ش ۷۲، صص ۴۹-۵۱.
۶. آقایی‌نیا، حسین؛ رستمی، هادی (۱۳۹۷)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، چ ۲، تهران: نشر میزان.
۷. اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶)، «عدالت پیشگیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، ش ۲، (پیاپی ۹)، صص ۲۹۷-۳۲۶.
۸. الهی‌منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۵)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چ ۴، تهران: انتشارت مجد.
۹. افوسو، دلیو. پاتی و دیگران (۱۳۸۴)، چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد (مالی)، ترجمه احمد رنجبر، چ ۱، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. باقرزاده‌گان، امیر؛ میرزایی، محمد (۱۳۹۲)، «اهداف و قلمرو جرم‌انگاری تحصیل مال از طریق نامشروع»، نشریه کارآگاه، دور دوم، سال ششم، ش ۲۳، صص ۷۸-۹۶.
۱۱. رحمدل، منصور (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی تحصیل مال نامشروع و تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلام و غرب»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال چهارم، دوره ۴، ش ۳، صص ۹۲-۶۷.
۱۲. رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۶)، «پولشویی»، در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش: امیرحسن نیازپور، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۳. زر نشان، شهرام؛ شجاعی نصرآبادی، محمد (۱۳۹۶)، «ضرورت جرم‌انگاری پولشویی مستقل از جرم منشأ»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۴، صص ۲۰۰-۱۷۳.
۱۴. شاکری، ابوالحسن؛ البوعلی، امیر (۱۳۹۶)، «تحلیلی نوین از جرم تحصیل مال نامشروع در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، ش ۴۷، صص ۱۱۴-۹۳.
۱۵. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۸۸)، «تأملی در رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال به طریق نامشروع»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۲، صص ۳۰۰-۲۸۳.
۱۶. محسنی، فرید (۱۳۹۶)، «شفاف‌سازی اقتصادی»، در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش: امیرحسن نیازپور، چ ۱، تهران: نشر میزان.

۱۷. محمودی، هادی (۱۳۹۶)، «کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد مالی (کنوانسیون مریدا)»، در: *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش: امیرحسین نیازپور، چاپ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۸. میرسعیدی، سید منصور؛ نجارزاده اهری، حجت (۱۳۹۱)، «داراشدن من غیرحق در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی»، پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، دوره ۱۱، ش ۲۱، صص ۵۷-۸۰.
۱۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۶)، *حقوق کیفری اختصاصی (۲)*، جرایم علیه اموال و مالکیت، ج ۵۰، تهران: نشر میزان.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، در: *مجموعه مقاله‌های همایش سیاست جنایی ایران در زمینه جرم‌های اقتصادی*، اردیبهشت ۱۳۹۵، به کوشش: امیرحسین نیازپور، چاپ ۱، تهران: نشر میزان.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، «جرایم مواد مخدر: درآمدی به جرم تطهیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع»، *مجله عرصه پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی*، واحد کازرون، سال اول، پیش‌شماره ۱، صص ۱۲-۲۴.
۲۲. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۶۰۱۰۱۰۱۰۱۰ شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۲۱۲.
۲۳. رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۹۰۱۰۶۶ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۱.
۲۴. قرار منع تعقیب شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۵۳۰۱۹۶۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب، ناحیه ۱۴ تهران.
۲۵. نظریه شماره ۷/۴۴۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه.
۲۶. نظریه شماره ۷/۸۵۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

ب) غیر فارسی

27. Boles, Jeffrey R (2014), "Criminalizing the Problem of Unexplained Wealth: Illicit Enrichment Offenses and Human Rights Violations", *New York University Journal of Legislation and Public Policy*, Vol. 17, No. 4, pp. 836-880.
28. Kofele-Kale, Ndiva (2012), *Combating Economic Crimes, Balancing Competing Rights and Interests in Prosecuting the Crime of Illicit Enrichment*, 1st Edition, London: Routledge.
29. Maud, Perdriel-Vaissiere (2012), "The accumulation of unexplained wealth by public officials: Making the offence of illicit enrichment enforceable", Bergen: Chr. Michelsen Institute, U4 Brief, No 1, pp. 1-4.
30. Muzila, Lindy; Morales, Michelle; Mathias, Marianne; Berger, Tammar (2012), *On the Take: Criminalizing Illicit Enrichment to Fight Corruption*, Washington, DC: World Bank. © World Bank.
31. United Nation Convention against Corruption (2003), in: https://www.unodc.org/documents/brussels/UN/Convention_Against_Corruption.pdf
32. United Nation Convention against Transnational Organized Crimes, (Palermo Convention, 2000. in: <https://www.unodc.org/documents/middleeastandnorthafrica/organised-crime/>
33. United Nation Convention against Illicit traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, (1988). in: https://www.unodc.org/pdf/convention_1988.